



کیانیان:

باید به هنرمند اعتماد کنند. همیشه مسجد ضرار وجود دارد، اما همه مساجد مسجد ضرار نیست. یکی از آنها مسجد ضرار است و آن یکی را خود هنرمندها بلدند چطور با آن رفتار کنند که دیگر آن طور نباشد

سیستم به بعدی و بعدی منتقل شود.

● **جلالی پور:** این نیازمند یک حزب فراگیر و پایدار است.

● **کیانیان:** می‌خواهم بگویم که حزب نداریم و اگر حزب داشتیم این اتفاق نمی‌افتاد.

● **جلالی پور:** شما اگر بخواهید به سیاستمداران و دولتمردان و دولت‌زنان قلب برسانید که چه کار کنند تا شکاف بین شما، هنرمندان، گروه‌های مرجع فرهنگی و آنها کمتر شود، چه می‌گویید؟ لطفاً چیزهایی بگویید که ممکن باشد، مواردی نباشد که آنها بگویند اینها اصلاً متوجه نیستند ما در چه میدانی کار می‌کنیم، آنچه را که در همین شرایط شدنی می‌دانید بگویید.

● **کیانیان:** یک زمانی آقای عطریان‌فر که در همشهری بودند قصه‌ای تعریف کردند که خیلی جذاب بود. البته این را من هم از یک شخص ثالث شنیده‌ام. می‌گفتند یک روز متوجه شدم که کف و رویه کفش‌ام کنده شده و رفته کفش بخرم. همین‌طور که می‌رفتم به راننده‌ام گفتم کفش ملی نکه‌دار که من کفش بخرم. داخل کفش ملی می‌رود و یک کفش برمی‌دارد و ۵ هزار تومان جلوی طرف می‌گذارد. فروشنده می‌خندد و می‌گوید حاجی از کجا آمده‌ای؟ آقای عطریان‌فر می‌گوید چطور مگر؟ می‌گوید که کفش ۵ هزار تومان؟ می‌گوید بله من دفعه پیش خریدم. می‌گوید چه زمانی خریدی؟ ببینم؟! می‌گوید که مثلاً الان شده ۲۰ هزار تومان. ایشان خودش می‌گفت که با ماشین دنبال من می‌آیند و من را سرکار می‌برند، با ماشین از این جلسه به آن جلسه می‌روم و بعد هم من را می‌گذارند خانه. برای خانه ما یک عده هستند سبزی خوردن، گوشت و... را می‌خرند، من بین مردم نیستم که اصلاً بفهمم چه اتفاقی می‌افتد. مسئولین ما باید بین مردم بیایند. مثلاً وزیر ارشاد ما یک دفعه به خودش فرصت بدهد و در سالن سینما بنشیند. همین سالن‌هایی که هستند. برود یک تئاتر ببیند. خوب وزیر باید تئاتر ببیند چون نمی‌شود که در آکوریوم باشد و هنر را رشد بدهد. آن هنر رشد نمی‌کند. من چون فعالیت محیط زیستی

دارم و با خانم شینا انصاری، رئیس سازمان حفاظت از محیط‌زیست تعامل دارم، می‌دانم که سرزده به خیلی از شهرها می‌رود و کارهای زیادی می‌کند، از همه چیز هم خبر دارد. مدیران باید بروند تئاتر ببینند، فیلم ببینند یا به کنسرت بروند. وقتی بیرون بیایند و بین مردم بروند می‌فهمند آن کفش ۵ هزار تومان نیست.

● **جلالی پور:** این پیشنهاد خیلی خوبی است. ولی کافی و لزوماً تعیین‌کننده نیست. موافقم که به خصوص مدیران عالی فرهنگی این کار را بکنند پالس خوبی است، با اینکه چیزهایی هم یاد می‌گیرند و می‌فهمند اما مسأله چیز دیگری است، این شکاف به قدری زیاد شده بخصوص در بخش زیادی از فرهنگی‌ها و هنری‌ها که این گام کافی نیست. مثلاً وزارت ارشاد برای یکسری از هنرمندانی که کارشان ممنوع بود رایزنی‌هایی کرد که توانستند دوباره کار کنند و این باید ادامه پیدا کند. اما باز تأثیر زیادی نگذاشت. از این دست کارها چه چیزی به ذهن‌تان می‌رسد که یکسری از کسانی که قبلاً در میدان کنار کشیده و ناامید باشند و حتی یک زمانی محور کار در هنرها بودند، دوباره به میدان بیایند. آنها را چطور می‌شود دوباره وارد گود کرد؟

● **کیانیان:** یکی از مشکلات ما پوشش زنان در تئاتر و سینماست. در نیویورک مذهبی‌ترین یهودی‌های جهان زندگی می‌کنند یعنی کسانی هستند که برادر هم نباید موی زن را ببیند. موهایشان را از ته می‌زنند و کلاه‌گیس روی سرشان می‌گذارند. ولی آنها کلاه‌گیس می‌گذارند و راحت هم به خیابان می‌آیند.

ایران «کانپه»ی آقای عیاری چند سال پیش این پیشنهاد را داد.

● **کیانیان:** بله، عیاری را از سینمای اجتماعی سرخورده کردند که چرا این کار را کردی.

● **جلالی پور:** به نظر می‌رسد وزارت ارشاد الان این را ممکن نمی‌بیند و فکر می‌کند الان هاضمه‌اش وجود ندارد. کاری ندارم که درست است یا غلط. چه پیشنهاد دیگری دارید؟

● **کیانیان:** چرا؟

● **جلالی پور:** به نظر شما باید چانه‌زنی کند که مثلاً کلاه‌گیس در سینما جا بیفتد.

● **کیانیان:** ببینید چانه‌زنی کاری ندارد.

● **جلالی پور:** یعنی شما می‌گویید که با قم هم بیشتر رایزنی کنند و برای کلاه‌گیس یا آزادی پوشش در سینما و تئاتر توافق بسازند؟

● **کیانیان:** مثلاً یکی پیش علما می‌رود و

و تمهیدگر این گشایش باشند و به قول شما فرهنگ را بفهمند. من فکر می‌کنم یک مقدار این تکثر موجود در جامعه و بین نیروهای سیاسی یکی، دو سال انکار شد و بابت آن هم هزینه دادیم. جامعه ایران مجموعه‌ای از اقلیت‌هاست و هیچ نیروی سیاسی اکثریت نیست. الان نه اصلاح‌طلب اکثریت است و نه اصولگرا، نه انواع ناامیدها و نه انواع عبورکردگان و بریدگان از نظام سیاسی. شما اول باید این تکثر را به رسمیت بشناسید که هیچ‌کس نصف به اضافه یک نیست و دیگری را به رسمیت بشناسید. آن وقت اگر موضوع حل مسأله و بهبود و گشایش عملی است، تلاش داشته باشید به شکلی بازی کنید که این گشایش تدریجی و واقعاً اتفاق بیفتد. ما گاهی دچار توهم اکثریت و اسیر آرزوآندیشی می‌شویم و کنار می‌کشیم، تندرترین‌ها پشت فرمان می‌نشینند و کار را در نوبت‌های بعدی سخت‌تر می‌کنند. الان بعضی تغییراتی که در سال‌های گذشته اتفاق افتاده، چند سال طول می‌کشد که جبران شود، حتی اگر بهترین وزیر ارشاد را بگذاریم. اعضای خانه سینما در رأی‌گیری چه کسی را انتخاب می‌کنند؟ حدس می‌زنم احتمالاً برآیند، تپیی مثل آقای عسگری می‌شود. خود سینماگران چنین تپیی را انتخاب می‌کنند. چون آنها هم بالاخره تکثری دارند، اما حتی با انتخاب تواناترین مدیر سینمایی، باز چند سال طول می‌کشد که اتفاقات چهار سال گذشته جبران شود. ولی دو سه سال پیش تفاوت اینها انکار می‌شد و الان ما وقتی فاصله می‌گیریم، می‌فهمیم که دولت آقای خاتمی با دولت آقای احمدی‌نژاد در فرهنگ متفاوت بوده است.

● **کیانیان:** حتی با روحانی.

● **جلالی پور:** بله، ولی وقتی درون آن هستیم بعضاً انکار می‌کنیم.

● **کیانیان:** اینکه می‌گویند ملت ایران خودش را به طور مرتب هر چهار سال یک‌بار سورپرایز می‌کند درست است...

● **جلالی پور:** بله، شاید در حد مطلوب گشایش رخ نمی‌دهد.

● **کیانیان:** مثلاً من یک دوره تمام توانم را گذاشته بودم که به مدیران هنری کمک کنم دیدشان باز شود.

● **جلالی پور:** شما داشتید توافق می‌ساختید.

● **کیانیان:** بعد چه اتفاقی می‌افتاد؟ این مدیر تا دنده سه می‌رفت، عوض می‌شد. ماشین خاموش، دوباره از دنده یک بالا می‌آمد و همچنان این اتفاق در کشور ما به طور مرتب می‌افتد. یعنی کشور ما سیستمی ندارد که آن